

## Consequences of Afghan Women's Deprivation of the Right to Work

Malika Saedi: Member of Women's Leadership Academy

### Abstract

Women, as members of the human community, are the most influential factor in the educational and managerial dimensions of both family and society, and their constructive role and active presence in society cannot be denied. As an inseparable part of society, women, through work and effort, are capable not only of advancing their personal and spiritual development but also of playing a vital role in the progress of their social and communal lives. The right to work is one of the fundamental human rights of women, and no one has the authority to deprive them of this right without legal justification.

With the return of the Taliban to power in Afghanistan and the imposition of severe restrictions on women, the denial of women's right to work has become a major social issue, having widespread negative effects on their lives and leading to their isolation. The primary objective of this article is to examine how these restrictions have impacted women and the economic growth of their families. The loss of employment and the reduction of job opportunities for women is one of the main reasons behind the economic decline in families, and in this regard, women endure the greatest emotional, psychological, and financial burdens within their households.

**Keywords:** Women, Women's social identity, Women's employment, Deprivation, Economic growth, Family.

## پیامدهای محرومیت زنان افغان از حق کار

ملکه سعیدی: عضو آکادمی رهبری زنان

### چکیده

زنان به‌عنوان اعضای جامعه انسانی، مؤثرترین عامل در بُعد تربیتی و مدیریتی خانواده و جامعه هستند و نمی‌توان نقش سازنده و حضور فعال آنان را در جامعه انکار کرد. زنان به‌عنوان طیف جدایی‌ناپذیر از جامعه، با تمسک به کار و تلاش، قادر خواهند بود ضمن ارتقای سطح تکامل فردی و معنوی خویش، در تعالی زندگی اجتماعی خود و جامعه نیز نقشی سازنده ایفا کنند. حق کار، یکی از حقوق اساسی و انسانی زنان است و هیچ‌کس حق ندارد بدون دلیل قانونی، این حق را از آنان سلب کند.

با تسلط مجدد طالبان بر افغانستان و وضع محدودیت‌های شدید بر زنان از سوی آنان، عدم دسترسی زنان به حق کار به یکی از معضلات اجتماعی تبدیل شده است که تأثیرات منفی گسترده‌ای بر زندگی آنان گذاشته و باعث انزوای آنان شده است. هدف اصلی این مقاله، مطالعه چگونگی تأثیرگذاری این محدودیت‌ها بر زنان و رشد اقتصادی خانواده‌های آنان است. از دست دادن کار و کاهش فرصت‌های شغلی برای زنان را می‌توان یکی از دلایل مهم افت اقتصادی خانواده‌ها دانست، که از این منظر، زنان بیشترین آسیب‌های روحی، روانی و مالی را در خانواده‌ها متحمل می‌شوند.

**واژه‌های کلیدی:** زنان، شخصیت اجتماعی زنان، کار زنان، محرومیت، رشد اقتصادی، خانواده.

خانواده‌ها پرداخته است. هدف از این پژوهش، ارزیابی میزان تأثیرگذاری این محرومیت بر زندگی زنان و خانواده‌هاست.

بحث محرومیت زنان از فعالیت‌های اجتماعی، به‌ویژه محرومیت از کار، طی سه سال اخیر یکی از چالش‌های اساسی زنان افغانستان بوده و آنان در این مدت متحمل آسیب‌های شدید روحی، روانی و مالی شده‌اند. بنابراین، این موضوع مستلزم مطالعه و آسیب‌شناسی است تا برای جامعه و مردم بازنمایی شود و اقدامات اساسی و لازم جهت بهبود و حل مشکلات موجود اتخاذ گردد و زمینه‌ای برای زندگی بهتر زنان در آینده فراهم شود.

زن زیباترین واژه‌ی آفرینش است و نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، کار و حضور زن در اجتماع بدون شک تأثیری مهم و به‌سزایی در شکل‌گیری یک جامعه‌ی سالم و مترقی انسانی دارد. چون حق کار، مانند سایر حقوق، یک حق طبیعی برای هر انسانی، اعم از زن و مرد، محسوب می‌شود و زن و مرد هر کدام در تعاملات اجتماعی و روابط اقتصادی، نقش خاص خود را ایفا می‌کنند.

موضوع اقتصاد و امور مالی خانواده و کار کردن و کسب معاش از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین موضوعاتی است که همواره با زندگی بشر همراه بوده و قسمت عمده‌ای از حیات انسانی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، نظام اقتصادی حاکم بر خانواده باید به گونه‌ای باشد که بتواند با پیشرفت زندگی بشر در هر عصری، مشکلات و موانع را برطرف نماید. در نتیجه، در رشد اقتصادی خانواده نقش هر یک از اعضای خانواده، اعم از زن و مرد، از منظر تقویت و مدیریت مالی آن مهم و اساسی است.

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان و اعمال محدودیت‌های شدید بر زنان، عدم دسترسی زنان به حق کار به یکی از معضلات اجتماعی زنان در وضعیت کنونی افغانستان تبدیل شده است. محرومیت زنان از حق کار و حضور در اجتماع، زندگی آنان را تلخ و تاریک ساخته و پیامدهای منفی بسیاری از نظر روحی، روانی، اقتصادی و مالی در پی داشته است.

با توجه به اهمیت این مسئله، مقاله حاضر با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی پیامدهای منفی محرومیت زنان از کار در حوزه‌ی رشد اقتصادی

## شخصیت اجتماعی زنان

زن به‌عنوان عضو جامعه‌ی انسانی، مؤثرترین عامل در بُعد تربیتی و مدیریتی خانواده و جامعه است و نمی‌توان نقش سازنده و حضور فعال او را در جامعه انکار کرد. زنان به‌عنوان اعضای جامعه، با تکیه بر کار و تلاش، می‌توانند ضمن ارتقای سطح تکامل فردی و معنوی خویش، در تعالی بخشی به زندگی اجتماعی خود و جامعه نیز نقش مؤثر و سازنده‌ای ایفا کنند.

زنان بخش عظیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهند و این موضوع همواره در اظهار نظرها و نوشته‌های آگاهان و پژوهش‌گران امور زنان مطرح بوده است. معروف است که زن نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، شخصیت، رفتار، فرهنگ، اندیشه و حضور زن در اجتماع، بی‌شک تأثیر مهم و به‌سزایی در شکل‌گیری یک جامعه سالم و مترقی انسانی دارد. در طول تاریخ بشر، شأن و شخصیت زن، حدود اختیارات او در زندگی، پیوند او با مرد، و جایگاهش در مقایسه با مرد همواره مورد بحث و بررسی بوده است. در این زمینه، نظریات مختلفی مطرح شده است؛ گروهی راه افراط و گروهی دیگر راه تفریط را پیموده‌اند (مظاهری، ۱۳۹۹).

از آنجا که دین مقدس اسلام یک دین کامل است و تمام جنبه‌های زندگی انسانی را به‌زیبایی و با هماهنگی با فطرت بشری بیان کرده است، در این بخش بر اساس بستر فرهنگی و اعتقادی که اسلام فراهم کرده، موضوع زنان را بررسی می‌کنیم.

با توجه به فرموده‌های قرآن کریم و سنت پیامبر (ص)، روشن است که زنان در امور اجتماعی هم‌دوش مردان بوده و در حل مشکلاتی که با آن مواجه بوده‌اند، همراه

آنان سهم فعالی داشته‌اند. در این زمینه، آیات و روایات بسیاری نقل شده است. همچنین در دوره خلافت حضرت عمر فاروق (رض)، زنان آزادانه در مسائل فقهی با مردان مناقشه می‌کردند. برای مثال، در جریان خطبه‌ای که حضرت عمر فاروق (رض) ایراد کرد و مردم را از غلو در مهر زنان نهی کرد، زنی برخاست و با استناد به آیات قرآن، با او به مناظره پرداخت (غفوری، ۱۳۷۶).

علاوه بر این، یکی از افتخارات بزرگ اسلام این است که در زمانی که جهل و تاریکی مطلق بر جوامع حاکم بود، اسلام حق آموزش و تحصیل را جزو ضروریات زندگی قرار داد و کسب علم را برای تمام پیروانش، اعم از زن و مرد، واجب دانست. از وجوب کسب علم نتیجه می‌گیریم که زنان در زمینه‌های تعلیم و تربیت حضور فعال و مثمیری داشته‌اند. همچنین حضور سیاسی زنان در صدر اسلام برجسته بود و دین اسلام، زن را مانند مرد، مسئول و مستقل معرفی کرد و به او حق ابراز نظر در امور حکومتی و سیاسی را داد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که زنان در صدر اسلام در صحنه‌های نظامی (جهاد) نیز حضور داشته و خدمات ارزنده‌ای در راستای ابلاغ دین و اعلاهی کلمه الله ارائه کرده‌اند (همان، ۱۳۷۶).

همچنین، اسلام برای زنان جواز سفر را به رسمیت شناخته و حضور آنان در مکان‌های تفریحی و سیاحتی را منع نکرده است. در حدیثی روایت شده است که پیامبر (ص) حضرت عایشه (رض) را از دیدن صحنه‌ای که سیاه‌پوست‌ها در حال بازی و نیزه‌زنی بودند، منع نکردند. همچنین در آیه‌ای از قرآن کریم، الله متعال می‌فرماید: {قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ} ترجمه: "بگو: چه کسی زینت‌های

الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟" (همان، ۱۳۷۶).

بنابراین، حیات زنان محدود و مقید به خانواده نبوده و نیست. بلکه تعلیم، تحصیل، کار و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آنان در دین اسلام تأیید و به رسمیت شناخته شده است. حضور و فعالیت زنان در اجتماع، در هر زمینه‌ای که باشد، جزو حقوق اساسی و بشری آنان است.

## کار زنان

به هر نوع فعالیت فکری و بدنی که به تولید کالا یا خدمات منجر می‌شود و برای آن دستمزد تعلق می‌گیرد، واژه‌ی "کار" اطلاق می‌شود. بنابراین، کار یک ضرورت اجتماعی است که از نتایج آن، هم کارگر و هم دیگران بهره‌مند می‌شوند. کار باعث می‌شود که فرد و جامعه به مرزهای ترقی و سعادت نزدیک شوند و در نهایت موجب آبادی و شکوفایی سرزمین خود گردند.

حق کار نیز، همانند سایر حقوق، یک حق طبیعی برای هر انسانی، اعم از زن و مرد، می‌باشد و زن و مرد به‌عنوان پیکره‌ی تشکیل‌دهنده اجتماع بشری، در تعامل اجتماعی افراد و روابط اقتصادی انسان‌ها با یکدیگر، هر کدام نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. قانون اساسی سال ۱۳۸۲ ه.ش جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۴۸، کار را در زمره‌ی حقوق اساسی اتباع افغانستان این‌گونه بیان کرده است: "کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. انتخاب شغل و حرفه در حدود احکام

قانون آزاد می‌باشد." (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲).

از محتوای این ماده برمی‌آید که زن نیز، همانند مرد، دارای حق کار است و می‌تواند به کسب درآمد بپردازد تا از لحاظ مالی خودکفا شود و استقلال مالی داشته باشد. همچنین، زن می‌تواند سهم خود را در چرخه‌ی اقتصادی خانواده ادا کند و در رشد اقتصادی خانواده مؤثر واقع گردد.

اگر بخواهیم حق کار زنان را از دیدگاه اسلام بررسی کنیم، با جرأت و صراحت می‌توانیم بگوییم که نه تنها دین مقدس اسلام هیچ‌گونه ممانعتی برای کار کردن زنان در بیرون از منزل ندارد، بلکه زنان و مردان را تشویق و ترغیب کرده است که با حفظ و رعایت کرامت انسانی و رعایت شرایط اسلامی، به انجام کارهای شرافتمندانه و کسب روزی حلال بپردازند. کار کردن و کسب روزی حلال در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، تا آن‌جا که کار کردن و کسب روزی حلال از زحمت دست خود، در اسلام عبادت دانسته شده است.

چنان‌که مطالعه کردیم، حق اشتغال برای زنان و مردان یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی آن‌هاست و هیچ‌کس حق ندارد که بدون دلیل قانونی، این حق را از کسی سلب نماید. دین مقدس اسلام نیز از این حق حمایت کرده است. چنان‌که الله "ج" در آیه ۳۲ سوره نساء می‌فرماید: "هر یک از زن و مرد از کار و کسبی که دارند، بهره‌مند شوند." (سیدی، ۱۳۹۹). همچنین، بسیاری از فقهای اسلامی مانند ابوحنیفه "رح" و ابن حزم و ابن جریر طبری بر این عقیده‌اند که زن می‌تواند به‌جز ریاست حکومت، تمام مسئولیت‌های سیاسی دیگر را به عهده بگیرد و

چنان‌که زن از مرد لیاقت بیشتری داشت، حتی برای ریاست دولت بر مرد تقدم دارد (همان، ۱۳۷۶).

بنابراین، با در نظر گرفتن مطالعات فوق، می‌توان گفت که زنان، همچون مردان، دارای حق کار و حق حضور در اجتماع هستند و می‌توانند به کسب درآمد بپردازند. دین مقدس اسلام هیچ‌گونه ممانعتی برای کار کردن زنان در بیرون از منزل ندارد. پس زنان می‌توانند با حفظ کرامت انسانی خویش و رعایت شرایط اسلامی، به انجام کارهای شایسته پرداخته و در کنار تربیت فرزندان و رسیدگی به امور خانواده، در رشد اقتصادی و بهبود وضعیت مالی خانواده نیز مؤثر باشند.

## مؤثریت کار زنان در اقتصاد خانواده‌ها

مسئله اقتصاد و امور مالی خانواده و کار کردن و کسب معاش از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین مسائلی است که همواره با زندگی نوع بشر همراه بوده و قسمت عمده‌ای از حیات انسانی را تشکیل می‌دهد. نظام اقتصادی حاکم بر خانواده باید به گونه‌ای باشد که بتواند با پیشرفت زندگی بشر در هر عصری، مشکلات و موانع را برطرف نماید. بنابراین، در رشد اقتصادی خانواده، نقش هر یک از اعضای خانواده اعم از زن و مرد، از بُعد تقویت و مدیریت مالی آن مهم و اساسی است.

اقتصاد خانواده یکی از مباحث مهم در اقتصاد ملی هر مملکت است و به سهم خود، نقش بی‌بدیلی در ارتقای سطح کمی و کیفی اقتصاد در سطح ملی دارد. اگر اقتصاد خانواده را "چگونگی سازماندهی و مدیریت منابع خانه" تعریف کنیم، باید اذعان داشت که اقتصاد خانواده تا حد زیادی مرهون فعالیت‌ها و تلاش‌های زنان در خانه است. نقش تولیدی زنان، اعم از تولید نسل و تولید غذا و پوشاک، تا نقش‌های مراقبتی و حمایتی آنان همچون مراقبت از کودک، رشد فرزند، حمایت در برابر بیماری‌ها، آماده‌سازی فرد برای احراز مشاغل و تربیت نیروی انسانی آینده‌ی جامعه، از جمله نقش‌هایی است که علاوه بر ابعاد تربیتی و اجتماعی، دارای ابعاد اقتصادی نیز است و از این منظر نیز نیازمند مطالعه است. در عصر حاضر، در اکثر ازدواج‌ها به‌ویژه در دنیای غرب، زن و شوهر هر دو شاغل هستند و زن نیز در چرخه‌ی اقتصادی خانواده همگام با مرد خانواده نقش خود را ایفا می‌کند. با وجود افزایش فعالیت‌های اقتصادی زنان در بیرون از منزل، غالب کارهای خانه، از جمله پخت‌وپز و نظافت و شست‌وشو را نیز زنان انجام می‌دهند که این نیز می‌تواند ارزش

اقتصادی ویژه‌ی خود را داشته باشد. به همین دلیل می‌توان گفت که زنان خانه‌دار نیز همانند همسران و سایر اعضای خانواده، بخشی از بار خانواده را بر دوش می‌کشند (باقری، ۱۳۹۵).

زنان در محیط خانواده و جامعه دارای سطوح مختلف هویتی هستند؛ از جمله سطح فردی، سطح اجتماعی و سطح جهانی که در هر یک از این ابعاد به ایفای نقش اقتصادی در جهت رشد اقتصادی و بهبود شرایط اقتصادی خانواده می‌پردازند. زنان به‌عنوان نیمی از اعضای جامعه و درصد قابل‌توجهی از افراد تحصیل‌کرده و مستعد کار، در تمامی سطوح اجتماع حضور داشتند و فعالیت می‌کردند. چنانچه حضور زنان را از تشکیلات مکاتب تا کرسی‌های دانشگاهی، اشتراک در فعالیت‌های اقتصادی، مدیریت شرکت‌های خصوصی و دولتی، جایگاه‌های تأثیرگذار سیاسی، حضور در صفوف نیروهای نظامی و غیره شاهد بودیم. اما زنان در شرایط کنونی طبق وضعیت جاری افغانستان از امتیازات مزبور محروم هستند. بنابراین، می‌توان گفت که کار زنان در رشد اقتصادی خانواده‌ها تأثیر فوق‌العاده مثبت و سازنده‌ای دارد که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد (زینی‌وند، ۱۳۹۳).

### نقش زنان در مدیریت مالی خانواده‌ها

خانواده رکن اصلی جامعه است و قلب تپنده‌ی خانواده‌ها زنان هستند. زنان در نظام خانواده، مهم‌ترین فرد ایفاکننده‌ی نقش‌های حمایتی و عاطفی، و اداره‌کننده‌ی وضعیت تربیتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی سالم در زندگی اعضای خانواده‌ها به شمار می‌روند.

زنان به‌عنوان مدیران اقتصادی خانواده‌ها در خرید و نحوه‌ی مصرف، نقش مهمی را به عهده دارند. زنان با کسب آگاهی‌های لازم در مورد نحوه‌ی مصرف، قادر خواهند بود که هزینه‌های یک جامعه را کنترل نمایند و باعث ارتقای سطح مدیریت بهره‌وری ملی شوند. این امر از طریق بهینه‌سازی مصرف در خانواده حاصل می‌شود. پیشرفت جامعه در گرو پایین آوردن هزینه‌ها و بالا بردن تولید است، و در این خصوص، زنان نقش بسیار مؤثری در پایین آوردن هزینه‌های خانواده‌ها دارند. به‌خاطر اینکه زنان بیشترین خریدها را انجام می‌دهند، می‌توانند در نوع تولیدات وارد شده و به کیفیت و کمیت کالاهای بازار نیز دخالت داشته باشند (همان، ۱۳۹۳).

بخش عظیمی از مصرف در خانواده‌ها انجام می‌شود و در زندگی روزمره شاهد مصرف بی‌رویه‌ی مواد غذایی، بهداشتی، پوشاک، انرژی و به‌خصوص آب و برق هستیم. این نکته که این هزینه‌ها تا چه اندازه ضروری و حیاتی هستند و آثار آن‌ها بر تعادل مالی خانواده به چه میزان است، کمک بسیاری به مدیریت بهینه‌ی هزینه‌های خانواده در آینده خواهد کرد. از آنجایی که زنان در اقتصاد خانواده بسیار مؤثرتر از مردان عمل می‌کنند، نقش بیشتری در اصلاح الگوی مصرف دارند. زنان باید در رابطه با نحوه‌ی درست مصرف آموزش ببینند، چرا که این امر منجر به صرفه‌جویی در جامعه و خانواده می‌شود. هرچه دانش، آگاهی، و حساسیت اقتصادی زنان بیشتر شود، به همان اندازه می‌توانند نسبت به شیوه‌ی مصرف حساس‌تر شوند. این امر تأثیر مثبتی در بهبود شرایط اقتصادی خانواده‌ها دارد (همان، ۱۳۹۳).

بنابراین، می‌توان ادعان داشت که نقش زنان در مدیریت مالی خانواده‌ها فوق‌العاده مهم و بااهمیت است. زیرا زنان در مدیریت منابع مالی خانواده، در مدیریت نحوه‌ی مصرف منابع، و همچنین در قسمت اعظم دادوستدهای مالی اشتراک دارند و می‌توانند در بهینه‌سازی و مهار میزان مصرف و مدیریت منابع مالی و عایداتی خانواده، نقش مؤثری ایفا کنند.

### موانع کار زنان در اجتماع

حضور زنان در اجتماع و فعالیت‌های آنان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همواره با مشکلات و موانع همراه بوده است. جامعه‌ی سنتی و مردسالار افغانستان، که ذهنیت مردسالار و زن‌ستیز در آن به عرف و حتی فرهنگ تبدیل شده است، به‌عنوان یک سد و مانع بزرگ در برابر رشد و ترقی اجتماعی زنان و نیز مانع دستیابی آنان به آرمان‌های بلند و خودکفایی در جایگاه‌های مهم و برجسته مطرح است.

مشکلات ناشی از حاکمیت تفکر مردسالار، جنگ‌ها و اوضاع نابسامان سیاسی، موانعی که زنان خود برای خویش ایجاد کرده‌اند و می‌کنند، نابرابری تحصیلی در سطوح بالا، سطح پایین آگاهی فردی، عدم خودباوری، نبود حمایت خانواده‌ها در اکثر موارد، و نبود تسهیلات و فرصت‌های شغلی مناسب از سوی دولت را می‌توان از جمله موانع مهم کار زنان در اجتماع برشمرد (نستعین و خورشیدی، ۱۳۸۴).

با توجه به آن‌چه بیان شد، می‌توان گفت که موانع اصلی کار زنان در اجتماع به چهار دسته تقسیم می‌شود: موانع فردی، موانع فرهنگی، موانع اجتماعی، و موانع سیاسی.

## محرومیت زنان از کار

علاوه بر این، جهت درک تأثیر محدودیت‌های شدید وضع شده از سوی طالبان بر کار زنان، "زن‌تایمز" با 50 زن در 16 ولایت افغانستان مصاحبه کرده است. برخی از این زنان تنها نان‌آور خانواده‌ی خود بوده‌اند و همه‌ی آن‌ها پیش از تسلط دوباره‌ی طالبان در ادارات دولتی، غیردولتی، یا شرکت‌های خصوصی مشغول به کار بودند. 60 درصد از مصاحبه‌شوندگان در این گزارش، زنانی هستند که در دهه‌ی دوم زندگی خود قرار دارند و بیشتر عمر خود را در دوره‌ی جمهورییت سپری کرده‌اند. بر اساس تحقیقات زنتایمز، نیمی از این زنان در آگوست 2021 مجبور به ترک وظایف خود شدند. در دسامبر 2022، زمانی که طالبان زنان را از کار در سازمان‌های غیردولتی منع کردند، همه‌ی آن‌ها بیکار شده و در خانه‌های خود محبوس گردیدند (مهتا و فخری، ۱۴۰۲).

### عوامل محرومیت زنان از کار

محرومیت زنان از حق کار یکی از چالش‌های اساسی در شرایط کنونی افغانستان است. عوامل متعددی از جمله تبعیض‌های جنسیتی، سنت‌های اجتماعی، حاکمیت تفکر مردسالارانه و عدم حمایت مردان خانواده‌ها از حقوق اجتماعی زنان به این مشکل دامن زده‌اند. این عوامل موجب محدود شدن فرصت‌های زنان برای مشارکت در نیروی کار شده و استقلال اقتصادی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

تبعیض جنسیتی در آموزش، فرصت‌های شغلی، میزان حقوق، و موقعیت‌های شغلی پایین‌تر، از مشکلات عمده‌ای است که زنان در بسیاری از کشورها از جمله افغانستان با آن روبه‌رو هستند. این تبعیض‌ها نه تنها مانع مشارکت زنان در بازار کار می‌شود، بلکه تأثیر منفی بر دسترسی آنان به تحصیلات و پیشرفت

محرومیت را می‌توان به‌عنوان فقدان یا نداشتن و نتوانستن تعریف کرد. محرومیت، مشتقی از ریشه‌ی "حرم" است و مفهوم منع و شدت را افاده می‌کند (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۵). این مفهوم گسترده شامل محرومیت اجتماعی، مدنی، سیاسی و غیره می‌باشد. در وضعیت کنونی افغانستان، می‌توان ممنوعیت زنان از حق آموزش و تحصیل، حق کار، حق حضور در پارک‌ها و مکان‌های تفریحی، و حق شرکت در اعتراضات و فعالیت‌های اجتماعی را به‌عنوان مصادیق محرومیت اجتماعی مطرح کرد.

محرومیت زنان از حق آموزش و حق کار به‌عنوان واقعیتی تلخ و جدید همواره موضوع بحث و اظهار نظرهای گوناگون فعالان مدنی و حقوق زن در رسانه‌ها بوده و نگرانی جامعه‌ی جهانی را نیز برانگیخته است. این محرومیت یا عدم دسترسی زنان به حق کار، به‌عنوان یک معضل اجتماعی، تأثیرات فوق‌العاده منفی بر زندگی آنان گذاشته و موجب انزوای بیشتر زنان شده است.

چنان‌که خانم سلما الکوزی، کارشناس مسائل اقتصادی و مالی، در مصاحبه‌ای با صدای آمریکا اظهار کرده است: "زنان قبل از وضع محدودیت‌ها بر حق کار و آموزششان از سوی طالبان، در مقام‌ها و عرصه‌های مختلف مشغول به کار بودند، اما به دلیل ممنوعیت کار آنان از طرف طالبان، از فرصت‌های کاری و درآمدهای خود دور مانده‌اند. زنان با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند و بسیاری از خانواده‌هایی که نان‌آور آن‌ها زنان بودند، با فقر شدید مواجه‌اند" (نوری، ۱۴۰۲).



حرفه‌ای نیز دارد. به گفته‌ی آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، افغانستان از نمونه‌های برجسته‌ی این نوع عدم برابری جنسیتی است و حقوق زنان در این کشور به‌طور سیستماتیک مورد حمله قرار گرفته است (ضیایی، ۱۴۰۲).

در گزارش‌های سازمان ملل متحد نیز به نقض گسترده حقوق زنان و تبعیض سیستماتیک علیه آن‌ها اشاره شده است. از ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تا ماه می ۲۰۲۳، طالبان بیش از ۵۰ فرمان محدودکننده علیه زنان صادر کرده‌اند که شامل ممنوعیت آموزش، اشتغال، و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. این دستورات محدودکننده نقش بزرگی در حذف زنان از زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور داشته است (ابراهیم‌خیل، ۱۴۰۲).

این محرومیت‌ها باعث شده‌اند که زنان نه تنها از حق کار، بلکه از فرصت‌های اجتماعی و حتی اساسی‌ترین حقوق انسانی خود محروم بمانند. بدون دسترسی به این حقوق، جامعه افغانستان به‌ویژه خانواده‌ها و اقتصاد محلی تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرد، چرا که بسیاری از زنان نان‌آور خانواده‌های خود بوده و اکنون با فقر شدید مواجه‌اند.

### پیامدهای محرومیت زنان از کار

محرومیت زنان از حق کار و حضور در اجتماع نه تنها زندگی زنان را تاریک و محدود ساخته، بلکه پیامدهای منفی گسترده‌ای را در ابعاد مختلف روحی، روانی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است. افسردگی، اضطراب و احساس بی‌ارزشی در میان زنان و دخترانی که از مشارکت در اجتماع و کسب استقلال مالی محروم شده‌اند، به شدت افزایش یافته است. این

شرایط به افزایش خودکشی در میان زنان منجر شده و فرار از کشور به‌عنوان راه‌حلی برای رهایی از این وضعیت تلخ گسترش یافته است.

از دیگر پیامدهای این محرومیت‌ها می‌توان به افزایش کودکان کار اشاره کرد، زیرا در غیاب زنان به‌عنوان نان‌آور خانواده، کودکان مجبور می‌شوند برای تأمین نیازهای مالی خانواده‌ها کار کنند. همچنین کودکان همسری و ازدواج‌های اجباری به دلیل فقر و فشارهای اجتماعی افزایش یافته است. زنان و دخترانی که فرصت‌های تحصیل و کار از آن‌ها سلب شده، به اجبار تن به ازدواج‌های ناخواسته می‌دهند.

علاوه بر این، خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی علیه زنان نیز تشدید شده است. فقدان حقوق و استقلال زنان، آنان را به‌عنوان قربانیان خشونت‌های جسمی و روانی بیشتر آسیب‌پذیر ساخته است، و این خشونت‌ها تحت سایه محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی به‌شدت رو به افزایش است (شرافت، ۱۴۰۳).

### پیامدهای روحی و تأثیرگذار بر سلامت روانی زنان

محرومیت زنان از حقوق اجتماعی، به‌ویژه محرومیت از حق کار، تأثیرات روانی عمیق و منفی بر زنان افغانستان داشته و آن‌ها را به فضای اختناق و فشار روانی کشانده است. این وضعیت منجر به افزایش بیماری‌های روانی نظیر اضطراب، افسردگی و احساس بی‌ارزشی شده است. بر اساس گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، از آگست 2021 تا ماه می 2023، بیش از 47 درصد از شرکت‌کنندگان در این تحقیق اعلام کرده‌اند که حداقل یک زن یا دختر را می‌شناسند که از اضطراب یا افسردگی رنج می‌برد.

همچنین 7.8 درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار کرده‌اند که زنی را می‌شناسند که به خودکشی دست زده است.

افزایش مراجعه زنان به بخش سلامت روان در شفاخانه‌ها نیز گواهی بر این بحران است. طبق آمار شفاخانه دولتی شهر هرات، 90 درصد از مراجعه‌کنندگان به بخش سلامت روان را زنان تشکیل می‌دهند. دکتر ایمل صافی، متخصص روان‌شناسی، توضیح داده است که فقدان حقوق آموزشی و شغلی موجب افت عملکرد شغلی و در پی آن افزایش اضطراب و افسردگی شده است. این وضعیت، به گفته او و دیگر روان‌شناسان، منجر به افزایش شدید بیماران روانی در افغانستان شده است (ابراهیم‌خیل، ۱۴۰۲).

به‌طور کلی، انزوای اجتماعی و فقدان فرصت‌های کاری برای زنان پیامدهای روانی و اقتصادی وخیمی داشته است. ناامیدی، افسردگی و فشارهای روانی ناشی از این محدودیت‌ها، افزایش خودکشی در میان زنان را به دنبال داشته است. این موضوع نشان‌دهنده سطح بالای آسیب‌های روحی است که زنان افغان با آن مواجه‌اند و وضعیت فعلی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های روانی و اجتماعی برای آن‌ها تلقی می‌شود.

### افزایش خشونت‌های خانوادگی

محرومیت زنان از حق کار و حضور در جامعه یکی از عوامل اصلی افزایش و تشدید خشونت‌های خانوادگی در وضعیت کنونی حاکم بر زنان دانسته می‌شود. با تسلط مجدد طالبان، زنان با محدودیت‌های گسترده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی مواجه شده‌اند. اکثریت آن‌ها شغل و کار خود را از دست داده‌اند که این مسئله خود سبب افزایش و شدت گرفتن

خشونت‌های خانوادگی می‌شود. افزایش کودکان کار، گسترش کودک‌همسری، افزایش ازدواج‌های اجباری و افزایش بیماران افسرده از قشر زنان و دختران، از نمونه‌های خشونت‌های خانوادگی به شمار می‌روند.

چنانچه ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان، در گزارشی تازه به گسترش "تبعیض سیستماتیک" علیه زنان و صدور بیش از پنجاه فرمان محدودکننده در برابر آن‌ها از سوی طالبان اشاره کرده است. بر اساس این گزارش، محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی باعث تشدید تبعیض خشونت‌آمیز در خانواده، به‌ویژه ازدواج اجباری، ازدواج کودکان، فروش اطفال و فروش اعضای بدن کودکان شده است. بر بنیاد این گزارش، شواهد قابل ملاحظه‌ای در پیوند با افزایش چشمگیر قضایای ازدواج اجباری دختران و ازدواج در سنین طفولیت وجود دارد. این گزارش می‌افزاید که تنها بین دسامبر 2022 و فوریه 2023، سازمان بین‌المللی مهاجرت حدود 578 مورد ازدواج اجباری را ثبت کرده است که 361 مورد آن مربوط به ازدواج در سنین طفولیت می‌شود.

همچنین دیدبان حقوق بشر و مدافعان سیاست ایالات متحده آمریکا برای زنان و دختران افغان می‌گویند که در کنار حذف سیستماتیک زنان از جامعه توسط رهبران طالبان، خشونت‌های مبتنی بر جنسیت، به‌ویژه در خانه، در دو سال گذشته به شدت افزایش یافته است. هیدر بار، مسئول بخش زنان دیدبان حقوق بشر، در صحبت با رادیو آزادی گفته است که طالبان سیستم محافظت از زنان در برابر خشونت را در افغانستان از بین برده‌اند. دیدبان حقوق بشر و مدافعان سیاست ایالات متحده آمریکا برای زنان و

خانواده‌ها نقش مؤثر و پیشرفت چشم‌گیری را نشان می‌داد.

آمارهای دولتی نشان می‌دهد که در سال 2017 زنان 31 درصد از کارکنان ادارات غیردولتی و 26 درصد از کارکنان سازمان‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دادند. همچنین نادر نادری، رئیس پیشین کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی، اظهار داشته است که پیش از تسلط دوباره طالبان، یک‌سوم کارمندان خدمات ملکی در کشور را زنان تشکیل می‌دادند (زن‌تایمز، ۱۴۰۲). آمارهای مذکور نشان می‌دهد که زنان شاغل دارای درآمد مالی بودند و در رشد و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های خود نقش مثبت و مؤثری داشته‌اند. در حالی که در وضعیت کنونی افغانستان، به دلیل محدودیت‌های شدید که بر زنان اعمال می‌شود، آن‌ها کار و منبع عایداتی خود را از دست داده‌اند که این مسئله تأثیر فوق‌العاده زیانبار و منفی بر رشد اقتصادی خانواده‌ها داشته و دارد. به‌گونه‌ای که میزان درآمد ماهانه خانواده‌ها کاهش یافته و این امر سبب افزایش فقر در میان خانواده‌ها شده است.

بر اساس گزارش سازمان ملل، بیش از 28 میلیون تن یا دو سوم جمعیت افغانستان در سال 2023 به کمک‌های بشردوستانه فوری نیازمند شدند (زن‌تایمز، ۱۴۰۲).

همچنین بر بنیاد گزارشی از سازمان بین‌المللی کار، پس از تسلط طالبان، میزان اشتغال زنان در افغانستان در ربع چهارم سال 2022 میلادی 25 درصد و میزان اشتغال مردان نیز در همین مدت هفت درصد کاهش داشته است (صدای امریکا، ۱۴۰۲). بنابراین، علاوه بر بیکاری مردان، اعمال ممنوعیت‌های گسترده

دختران افغان همچنین افزوده‌اند که در دو سال گذشته، ازدواج‌های کودکان و مرگ‌ومیر مادران در افغانستان افزایش یافته است (راديو آزادی، ۱۴۰۲).

در پژوهش دیگری از زنتایمز، مطالعه‌ای نشان می‌دهد که زنان بیکار شده از کار، از ناامیدی و تجربه‌های دردناک زندگی پس از بیکار شدن و بیدرآمدن سخن گفته‌اند. اکثر زنان مصاحبه‌شده در این گزارش اظهار کرده‌اند که از زمان تسلط طالبان، توسط شوهرانشان مورد خشونت فیزیکی و کلامی فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند. یافته‌های این گزارش حاکی از آن است که 61 درصد زنان با نوعی خشونت از سوی شوهر مواجه بوده‌اند و 49 درصد زنان با خشونت لفظی یا کلامی مواجه شده‌اند و 32 درصد زنان با خشونت فیزیکی روبه‌رو شده‌اند. علاوه بر این، دست‌کم 45 نفر از 50 زنی که مصاحبه شده‌اند، با اشاره به ناامیدی از احیای کرامت انسانی و منزلت اجتماعی خود، بیان کرده‌اند که از زمانی که حقوق و آزادی‌هایشان سلب شده است، دچار سرخوردگی و احساس حقارت شده‌اند (زن‌تایمز، ۱۴۰۲).

## پیامدهای منفی محرومیت زنان از کار در اقتصاد خانواده‌ها

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، بیکاری، فقر و سایر چالش‌های اجتماعی گریبانگیر مردم شد. در سال‌های قبل از بازگشت طالبان به قدرت، بسیاری از خانواده‌ها در افغانستان از درآمد دوگانه بهره‌مند بودند و در کنار مردان، زنان نیز دارای منبع درآمد ماهانه بودند. این موضوع در وضعیت رفاهی و رشد اقتصادی

فقر، بدبختی و گرسنگی افزایش یافته است. به گونه‌ای که اکثریت شهروندان افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیازمند شده‌اند. کاهش فرصت‌های شغلی، از دست دادن کار و از همه مهم‌تر، اعمال محدودیت‌های شغلی بر زنان را می‌توان از عوامل عمده عقب‌گرد و افت اقتصادی و مالی خانواده‌ها محسوب کرد که از این مسئله، زنان بیشترین زیان‌های روحی و روانی، علاوه بر زیان‌های مالی و اقتصادی در خانواده‌ها را متحمل می‌شوند.

علیه زنان و محرومیت آنان از کار و مشاغل اجتماعی، بحران بشری و فقر را در افغانستان افزایش داده است که این مسئله نشان‌دهنده تأثیر منفی محدودیت‌ها بر رشد اقتصادی خانواده‌هاست. به طوری که انستیتوت البیرونی در یک نظرسنجی یافته است که با تسلط طالبان و اعمال محدودیت‌ها، سقف بیکاری و میزان قرضداری مردم افزایش یافته است. طبق این نظرسنجی، سقف بیکاری در میان مردان 31 درصد و در میان زنان 8 درصد بیشتر شده است. به گفته این نهاد، میزان قرضداری خانواده‌ها در سال 2023 میلادی نسبت به سال 2021 میلادی 67 درصد افزایش یافته است. همچنین 15 درصد از مصاحبه‌شوندگان این نظرسنجی ناگزیر به فروش زمین و لوازم خانه‌های خود شده‌اند. در این نظرسنجی با 300 نفر از طبقه متوسط در کابل مصاحبه شده است. طالبان با اعمال ممنوعیت کاری بر زنان، به بحران اقتصادی در کشور افزوده‌اند. در وضعیت جاری، میلیون‌ها زن از کار برکنار شده و در وضعیت دشوار اقتصادی در خانه‌های خود به سر می‌برند که برخی از آنان حتی مجبور شده‌اند به تکدی‌گری رو بیاورند (هشت صبح، ۱۴۰۳).

همچنین صندوق نجات کودکان در گزارشی ابراز داشته است که در سال 2024 میلادی، از هر سه کودک در افغانستان یکی با گرسنگی مواجه خواهد شد و نزدیک به 16 میلیون تن در افغانستان با ناامنی غذایی مواجه خواهند شد که از این میان بیش از 7 میلیون آن‌ها کودکان هستند (هشت صبح، ۱۴۰۲).

با توجه به آنچه در فوق مطالعه شد، می‌توان اظهار داشت که با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، وضعیت اقتصادی مردم کشور رو به رکود گذاشته و

## نتیجه‌گیری

محرومیت زنان از حق آموزش و حق کار به‌عنوان واقعیتی جدید و تلخ همواره مورد بحث و اظهار نظرهای گوناگون فعالان مدنی و فعالان حقوق زن در رسانه‌ها بوده و مورد توجه و نگرانی جامعه جهانی نیز قرار گرفته است. محرومیت از حق کار یکی از چالش‌های اساسی زنان در شرایط کنونی است که عوامل مختلفی از قبیل تبعیض‌های جنسیتی، سنت‌های اجتماعی، حاکمیت تفکر مردسالارانه و نقش کم‌رنگ مردان خانواده‌ها در حمایت از حقوق اجتماعی زنان، در تقویت و تداوم این محرومیت‌ها تأثیرگذار بوده است. این محرومیت‌ها پیامدهای منفی متعددی را به دنبال داشته است، از جمله فرار شهروندان و نیروی مستعد کار از کشور، گسترش افسردگی و خودکشی در میان زنان و دختران، افزایش کودکان کار، گسترش کودک‌همسری، افزایش ازدواج‌های اجباری، تشدید خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی علیه زنان، آسیب‌های شدید روحی برای زنان و زیان‌های مالی و اقتصادی برای خانواده‌ها.

براساس گزارشی از سازمان بین‌المللی کار، پس از تسلط طالبان، میزان اشتغال زنان در افغانستان در ربع چهارم سال 2022 میلادی 25 درصد و میزان اشتغال مردان نیز در همین مدت هفت درصد کاهش داشته است. بنابراین، اعمال ممنوعیت‌های گسترده علیه زنان و محرومیت آنان از کار و مشاغل اجتماعی،

بحران بشری و فقر را در افغانستان افزایش داده است، که این مسئله نشان‌دهنده تأثیر منفی محدودیت‌ها بر رشد اقتصادی خانواده‌هاست. به‌طوری‌که انستیتوت البیرونی در یک نظرسنجی یافته است که با تسلط طالبان و اعمال محدودیت‌ها، سقف بیکاری و میزان قرضداری مردم افزایش یافته است. به گفته این نهاد، میزان قرضداری خانواده‌ها در سال 2023 میلادی نسبت به سال 2021 میلادی 67 درصد افزایش یافته است. همچنین 15 درصد از مصاحبه‌شوندگان این نظرسنجی ناگزیر به فروش زمین و لوازم خانه‌های خود شده‌اند. طالبان با اعمال ممنوعیت کاری بر زنان، به بحران اقتصادی در کشور افزوده‌اند. در وضعیت جاری، میلیون‌ها زن از کار برکنار و در وضعیت دشوار اقتصادی در خانه‌های خود به‌سر می‌برند که برخی از آنان حتی مجبور شده‌اند به تکدی‌گری رو بیاورند.

بنابراین، می‌توان گفت که با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان و از دست دادن کار و کاهش فرصت‌های شغلی برای زنان، خانواده‌ها دچار افت اقتصادی شده و فقر و بدبختی دامنگیر خانواده‌های افغانستان شده است. از این مسئله، زنان بیشترین زیان‌های روحی، روانی و مالی را در خانواده‌ها متحمل می‌شوند.

## منابع و مأخذ

ابراهیم خیل، شکبلا. (1402). گزارش جدید ملل متحد از تبعیض سیستماتیک طالبان علیه زنان. *دویچه وله*. قابل دسترس در:

<https://www.dw.com/fa-af/a-65943755>

باقری، محمدرضا. (1395). نقش زنان در اقتصاد خانواده. *فصلنامه جمعیت*.

غفوری، عبدالقدوس. (1376). *شخصیت و حقوق زن در تاریخ و اندیشه اسلامی*. تهران: نشر احسان.

قانون اساسی افغانستان. (1382). ماده 48.

کاوه، امین. (۱۴۰۲). افزایش فقر؛ از سه کودک یک تن با گرسنه‌گی روبه‌روست. *هشت صبح*. قابل دسترس در:

<https://8am.media/fa/increasing-poverty-and-oppression-of-the-taliban-one-out-of-three-children-faces-hunger/>

مهتا، آرچیت، و فخری، کرشمه. (۱۴۰۲). زنان بیکار شده افغانستان قربانیان خشونت فزاینده در خانواده. *زن‌تایمز*. قابل دسترس در:

<https://zantimes.com/fa/2023/05/15/unemployed-afghan-women-are-victims-of-increasing-violence-in-the-family/>

مظاهری، حبیب. (1399). بررسی شخصیت اجتماعی زن در قرآن کریم.

نستعین، نسرین، و خورشیدی، رُزا. (1384). اشتغال زنان، خودباوری و تعاون.

نوری، ژیلا. (1402). محرومیت زنان از کار و تحصیل به اقتصاد افغانستان زیان می‌رساند. *صدای آمریکا*. قابل دسترس در:

<https://www.darivoa.com/a/women-economic-implications/7516131.html>

راديو آزادی. (1402). افسرده‌گی‌های روحی در میان زنان و دختران در افغانستان. قابل دسترس در:

<https://da.azadiradio.com/a/32496952.html>

سیدی، ویسنا. (1399). حق کار، حق شرعی و قانونی زنان. *هشت صبح*. قابل دسترس در:

<https://8am.media/fa/the-right-to-work-the-religious-right-of-women/>

شرافت، امید. (۱۴۰۳). آغاز سال تحصیلی 1403؛ پیامدهای محرومیت زنان از آموزش توسط طالبان. *زن‌تایمز*. قابل دسترس در:

<https://zantimes.com/fa/2024/03/21/consequences-of-womens-deprivation-of-education-by-the-taliban/>

شریفی، عبدالهادی. (1400). دین یا فرهنگ قبیلہ؛ مخالفت با تحصیل و کار از کجا می‌آید؟ *هشت صبح*. قابل دسترس در:

<https://8am.media/fa/the-religion-or-culture-of-the-tribe-where-does-the-opposition-to-womens-education-and-work-come-from/>

ضیایی، هدیه. (1402). گوترش از عدم دسترسی زنان افغان به حقوق‌شان ابراز نگرانی کرد. *طلوع‌نیوز*. قابل دسترس در:

<https://tolonews.com/fa/afghanistan-187832#>:

عسگری، زهرا، نوروزی، رضاعلی، و چابکی، رضامحمدی. (1395). مفهوم‌شناسی محرومیت در قرآن کریم و نقش آن در رشد و تربیت انسان. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*.

هشت صبح. (۱۴۰۳). فشار طالبان و افزایش بیکاری؛ سقف بیکاری و میزان قرض‌داری مردم افزایش یافته است. *هشت صبح*. قابل دسترس در:

<https://8am.media/fa/taliban-pressure-and-increasing-unemployment-the-unemployment-ceiling-and-peoples-indebtedness-have-increased/>